



به مناسبت سالروز نامه تاریخی جمعی از فعالان فرهنگی به رژیم پهلوی در اعتراض به سانسور مطبوعات و نشریات

### روایت سانسور در دوران پهلوی

با بررسی تاریخ مطبوعات دوره پهلوی و مرور خاطرات روزنامه‌نگاران این مقطع می‌توان دریافت که موضوع سانسور و اختناق در مطبوعات بسیار پرتنگ بوده است. روزنامه‌نگاران در لابه‌لای خاطراتشان به موضوع‌های متعددی اشاره کرده‌اند که یکی از آنها مسأله وجود سانسور در مطبوعات آن عصر است.

رئیس پارلمان عراق با استعفای جمعی حزب «مقتدی صدر» موافقت کرد

### تحریم به سبک «صدر»

رهبان جریان صدر تهدید چند روز قبل خود را عملی کرد و در اوج بحران سیاسی عراق به ۷۳ نماینده این فراکسیون دستور داد تا استعفانامه‌های خود را تقدیم رئیس پارلمان کنند. اقدامی که گرچه از سوی جریان صدر، فداکاری میهنی خوانده شد اما به باور تحلیلگران می‌تواند بغداد را با چالش‌های بزرگ و سناریوهای مبهمی روبه‌رو کند.



دور نخست انتخابات پارلمانی فرانسه با ۴۷.۵ درصد مشارکت به پایان رسید، این آمار کمترین میزان مشارکت مردم فرانسه در انتخابات به حساب می‌آید

# صندوق‌های سبک

«امانول مکرون» بعد از رقابت نفسگیری که نزدیک به دو ماه پیش با راست افراطی در انتخابات ریاست جمهوری داشت، در انتخابات پارلمانی روز یکشنبه که طی آن رکورد پایین‌ترین میزان مشارکت مردمی در تاریخ انتخاباتی فرانسه به ثبت رسید، خود را رو در روی چپ افراطی دید تا آینده دولت‌اش تیره‌تر از قبل دیده شود.

تبیینی بر بیانات رهبر معظم انقلاب در سالگرد ارتحال امام (ره)

## اقتدار مردم پایه راز تداوم نظام اسلامی

محمد جلیلی  
دانشجوی دکتری علوم سیاسی

با برگزاری سی‌وسومین سخنرانی مقام معظم رهبری در سالروز رحلت امام خمینی (ره) بنیانگذار انقلاب اسلامی، جمعی از منتقدین، اشکالاتی را علیه برخی مواضع استراتژیک ایشان وارد ساختند که اولاً نشانگر تأثیر بسزای این سخنان با گذشت ۴۴ سال از وقوع انقلاب اسلامی و ثانیاً بیانگر حجم عصبانیتی است که نسبت به ناکامی‌های مکررشان در تحقق رؤیای براندازی وجود دارد. در اینجا برای مرور این نظرات و ذکر پاسخی اجمالی به این دعای، طرح بحثی ارائه می‌شود.

رهبر انقلاب فرمودند: «امام (ره) روح این انقلاب و درس‌نامه زندگی ایشان، نرم‌افزار جامعی است که می‌تواند در مسئولیت‌های ملی و انقلابی جوانان راهنما باشد. نباید گذاشت که شخصیت امام را تحریف و یاد ایشان را در اذهان کمرنگ کنند و اگر کسانی سبک زندگی غربی و مشی سیاست‌های بیگانه را در کشور دنبال می‌کنند، در پی ارتجاع ملت به شرایط منسوخ دوران پهلوی‌اند.» این بیانات به این نکته اشارت داشت که تن‌سپاری به غربی شدن در نگاه ایشان، مصداق پسرفت و عقب‌اندازی کشور و دور شدن از مؤلفه‌هایی است که

هویت ایرانی اسلامی را قوام می‌بخشد؛ چراکه مزیت نسبی ما بر استقلال هویتی و معارف معنوی وابسته است و در عین حال بر مقاومت و ایستادگی و آزادی اندیشه و عمل ایرانیان ابتدا دارد که این شاخص‌ها با عناصری چون غیریت‌سازی و فاصله‌گذاری از زیست‌موردپسند جهان غربی، مصونیت‌پذیر است.

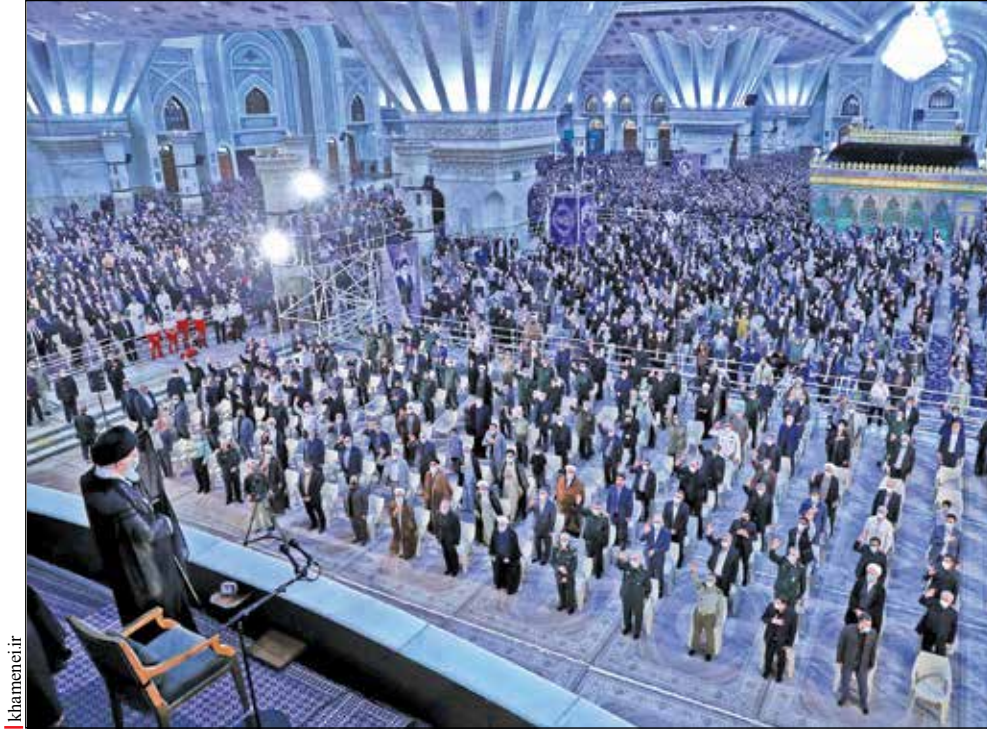
در ادامه با ذکر این مثال که انقلاب روسیه و فرانسه کمتر از دو دهه بعد از پیروزی به دامان خاندان گذشته یا خانواده‌ای مستبدتر از قبل گرفتار آمدند و نقش اولی مردم به قهقرا رفت اما انقلاب ایران مردمی بود و مردمی ماند، عنصر درخشان انقلاب ایران را اشارت دادند و مؤلفه معنویت‌گرایی و دین‌مداری را شاخصه‌ای نامیدند که در هیچکدام از دیگر انقلاب‌ها وجود نداشت. در اینجا جناح اپوزیسیون بی

تحمیل تطبیق ایران با دیکتاتوری شوروی افتاد که به رغم ذخایر انبوه بمب‌های هسته‌ای خود، فروپاشید و شکست خورد، تا این‌طور القا کند که نظام اسلامی ایران نیز سرانجام فروپاشیدنی است. اما ایشان ملتفت نبودند که اصل را بر لیبرال دموکراسی امریکایی نهاده و ذات متعارض جمهوری اسلامی را بدون در نظر داشتن ماهیت از بن متفاوتش از سر لجبازی و تقابل با نظام استبدادی کمونیسم یکسان پنداشته‌اند! آنان در همین تناقض ذهنی خود به اعتراف بزرگی دست‌زده‌اند؛ اینکه انقلاب ایران پس از چهل سال حرکت دارای چنان ابهت ساختاری و عظمت مادی شده که در چشم منتقدین نیز از حیث قدرت و اثرگذاری با هیمنه جهانی شوروی قابل قیاس است و تلویحاً پذیرفته‌اند که یگانه هم‌اورد امریکا در میان تمام حریفان، تنها جریانی در قامت انقلاب اسلامی است! ضمن آنکه این اقتدار را در شرایطی معترف‌اند که خود می‌دانند ایران خالی از کلاهک‌های اتمی و دارای نظامی ریاستی و چندحزبی است، پس این ابهت حاضر نه منبعث از تسلیحات نظامی صرف، بلکه وابسته به عناصری از جنس مردم‌پایگی، نفوذ ایدئولوژی اسلامی و معنویت باوری الهی است.

برخی رسانه‌ها مدعی شدند، از آنجا که رهبر انقلاب ایران از بازگشت بوربون‌های فرانسوی می‌گوید، یعنی از بازگشت پهلوی یک روز پس از سخنرانی رضا پهلوی در امریکا ترسیده! این سخن به‌واقع از چنان درونمایه ضعیفی برخوردار بود که برای گویندگان نیز مایه خنده‌آوری است؛ چراکه رضا پهلوی به‌عنوان فرزند شاهی مخلوع که پس از دستور به قلع و قمع خیابانی مخالفین به کشوری عربی فرار و میهن‌دوستی خود را در حجم سرعت ۵۶ میلیارد دلاری از اموال مالی-اعتباری مردم ایران نمایان کرد، از هنری برخوردار نیست جز آنکه با تکیه بر مقررری والده‌اش سید فارع‌التحصیل لیسانس علوم سیاسی شود و به جهت ناتوانی در اشتغال و کسب مهارتی اجتماعی خالی از هرگونه جایگاه علمی، سیاسی و اندیشگی حتی در میان ایرانیان مهاجر به امریکا باشد. حال

امروز با گذشت ۴۴ سال از وقوع انقلاب اسلامی درحالی که ایرانیان هزاران مدیر عالی، وزیر و رئیس‌جمهور متخصص و محبوب با قطاری از سوابق درخشان علمی، اجرایی در رشته‌های گوناگون به خود دیده‌اند، تنها امید ملموس طیف معاند برای کنار زدن حاکمیت ریشه‌دار فعلی، فراخوان به هواداری از چنین شخصی است! از طرفی ده‌ها هزار مهاجر ایرانی به غرب در دوران پهلوی را ناشی از تخصص‌گرایی شاه دانسته اما مهاجرت تحصیلی برخی دانشجویان کنونی را نه ارتقای ظرفیت تخبه‌پروری بلکه نشانه تنفر از انقلاب می‌خوانند، حال که در هیچ‌کجا اولین عامل مهاجرت ناتوانی مبدأ نیست.

در ادامه اشکال گرفتند که چرا رهبری جایات غرب را ضلع دوم روشنفکری راکارانه به حساب آورده است. باید گفت اگر اندک مطالعه‌ای در تاریخ اروپا داشته باشیم، از قرون وسطی تا عصر روشنگری، اشغال امریکا، جنگ‌های صدساله، سی‌ساله و هفت‌ساله مذهبی، رنسانس صنعتی انگلستان، انقلاب سیاسی فرانسه و حوادث حاکم بر جنگ‌های جهانی، به‌وضوح درمی‌یابیم که روح حاکم بر این مردمان به تنها عنصری که به جد تمایل دارد، تأمین نفع شخصی و رفاه مادی از هر طریقی است، بی‌آنکه بر اصول کرامت انسانی، حقوق معنوی و شریعت الهی تکیه کند. آن‌سان که قوانین سکولار نوشتند، جویای تعیین سهم چپاول بودند، آنگاه که پول را محرک اجتماعی کردند، عدالت را کشتند! و حتی حقوق بشر نگاه‌شدند تا وجهی بر سرکوب اعتراضات در مستعمرات بیابند! چگونه به مردمانی که در قرن بیستم، ظرف ۹ سال جنگ‌های خون‌آميز جهانی، ۹۰ میلیون انسان را کشته‌اند می‌توان آموزش حقوق بشر گفت؟ کجای تاریخ معاصر غرب بدون وحشیگری و بر اساس دموکراسی پیش‌رفته که دیگران متعلمش باشند؟ پرنایب‌ترین مناطق گیتی در تاریخ مکتوب بشری، نه خاورمیانه که اروپای غربی است! موم منتفکران و سیاستمداران ایشان از ماکابولی‌لاک و جفرسون، آیین جنگ، برده‌داری و فریبکاری را تئوریزه کرده‌اند،



آن‌وقت کسانی هنوز هم جای کاویدن انسانیت، تعاون و برادری در ادیان الهی، آموزه‌های شرقی و ایرانی، رو به کعبه غرب نماز می‌خوانند. گزاره‌هایی که معاصرین ایشان نیز به آن باور ندارند و انگلیس و فرانسه‌ای که اروپاییان خالص محسوب می‌شوند با یک قرن جنگ تاریخی و امریکایی‌هایی که خود را الگوی جهان می‌نامند با غضب سرزمینی و قتل‌عام ۱۰۰ میلیون سرخپوست، خود را مستحق این توصیف نمی‌خوانند که بعضی ترجمه‌خوانان غرب‌زده، به این صرافت از آن دفاع می‌کنند.

رهبر انقلاب اشاره داشتند که علت ناکامی‌های مکرر امریکا تبعیت از آموزه‌های مشاورینی خائن و ایرانی است که وضعیت کشور را درست نمی‌فهمند، هم به کشور خود و هم به دولت متخاصم با تحلیل‌های غلطشان خیانت می‌کنند. مخالفین پاسخ دادند، نمی‌شود از تشییع جنازه قاسم سلیمانی، مراجع و علمای دین، استقبال سراسری از یک سرود مذهبی یا شرکت گسترده در تظاهرات سالانه ۲۲ بهمن‌ماه نتیجه گرفت که مردم متدین‌تر شده‌اند! بلکه باید به خالی شدن صندوق‌های رأی اشاره داشت و یقین کرد که مردم از نظام، روحانیت و اسلام دلزده‌اند. با این استدلال می‌توان پاسخ داد که اگر حضور ۲۰ میلیون مردم ایران در تشییع پیکر سردار قاسم سلیمانی، احترام به شهادت، اعتقاد هوادارانه به نفوذ فرمانطقه‌ای ایران، حمایت و باور به حقانیت فرهنگ مقاومت و قدرشناسی از مسئول تراز جمهوری اسلامی نیست، یقیناً راهپیمایی چندصدهزار نفری مردم در ۲۵ خرداد ۸۸ نیز نشانه تقابل با نظام و مخالفت با خروجی انتخابات نیست و صورتی جز پیاده‌روی اعتراضات و سبزیوشی در احترام به سادات ندارد! مضاف بر این‌اگر حضور پهای صندوق‌های رأی نشانه تمایل به‌نظام است که باید گفت میانگین مشارکت در ۵۰ انتخابات صورت‌گرفته بیش از ۶۵ درصد و بالاتر از میانگین مشارکت در امریکا و اتریش است. همچنین سالیان متمادی بر محبوبیت فزاینده برخی هنرمندان زاویه‌دار با انقلاب اسلامی

تبلخ می‌شد تا این‌گونه رقیب‌پروری‌ها در ذهن دوقطبی‌ساز مخالفین، مایه تفرقه‌انگیزی میان هموطنان باشد؛ اما با فوت برخی از آنها و استقبال محدود از تشییع جنازه‌شان نمایان شد که این محبوبیت‌ها تا چه حد مجازی است و اساساً در مرحله قیاس قرار نمی‌گیرد. فلذا اگر شیوع کرونا در کاهش حضور مردم در این سنخ‌گردهمایی‌ها دخالت دارد، پس در افول مشارکت و انتخابات اخیر نیز مؤثر بوده است.

از نگاه برخی منتقدین، جمهوری اسلامی باید پاسخگوی ناکارآمدی مدیرانی که اندیشه لیبرالی و غیرانقلابی دارند نیز باشد، اما دستاوردهای چهارده ساله نظام در رشد علمی ۱۳

این سنخ تحلیل‌های متناقض، یک مفهوم کلی را می‌رسانند و آن نادیده انگاشتن واقعیات جاری و کتمان حقایق از تاریخ انقلاب اسلامی است که آکنده از فداکاری و استقامت اقشار عمومی در حفظ اصول نظام حاکم و کوشش بسیاری از مسئولین متعهد برای حل مشکلات ساختاری آن است. به عبارت بهتر، بقای جمهوری اسلامی در زیر تحریم‌های اقتصادی و تهدیدات نظامی و نفوذ فرهنگی و کارشکنی ساده‌لوحان و خرابکاری خائنین داخلی و خارجی آن، خود گواهِ کارآمدی این سیستم و مقبولیت بالای آن نزد ملت است که به رغم انتقادات عمده، هیچ پیشنهادی را هم‌شان جایگزینی با آن ندانسته و انتقادشان نه از جنس مخالفت با مبادی انقلاب ۵۷، بلکه از باب مطالبه همان شعارتر از برخی مسئولین سست‌عنصر و غربگرا است.